

پاسخی به اظهارات محمد طیبیان درباره سفر عبدالکریم سروش به ژاپن؛ «یک چمدان دروغ»

منبع: پایگاه خبرگزاری نیماد، روز چهارشنبه، ۷ مردادماه ۱۴۰۵

محمد طیبیان، اقتصاددان، در گفت‌وگویی با نشریه «آگاهی نو» مدعی شده است که عبدالکریم سروش، نویسنده و فیلسوف، در بازگشت از سفری به ژاپن، برخلاف دیگر اعضای هیئت، حجم زیادی از وسایل برقی با خود به ایران آورده بود. بازنشر این روایت در روزهای اخیر واکنش‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است.

سروش دباغ، فرزند ارشد عبدالکریم سروش در یادداشتی که در اختیار «نیماد» قرار داده، این ادعا را «دروغ و جعل» خوانده و همچنین بخش‌هایی از روایت منتشر شده درباره زمان سفر و ماهیت نوشته سروش را نادرست دانسته است. این یادداشت را در ادامه می‌خوانید.

یکی از جالب‌ترین روایت‌ها درباره عبدالکریم سروش مربوط به سفر گروهی از مدیران و روشنفکران ایرانی به ژاپن در اوایل دهه ۷۰ است... گزارش عبدالکریم سروش بعدها با عنوان «صناعت و قناعت» در کتاب «تفرج صنع» منتشر شد. متنی که با الهام از مولوی، نگاه انتقادی به صنعت، توسعه و تکنولوژی جدید داشت... محمد طیبیان می‌گوید وقتی آن گزارش را خواندم «بسیار برآشفته شدم»... روایت طیبیان از فرودگاه تهران شنیدنی است: «همه ما با یک چمدان نیمه‌خالی برگشته بودیم. اما آقای سروش با گاری وارد شد. جعبه‌های وسایل برقی را روی هم چیده بودند. آن قدر که از قد پاسدار گمرک هم بالاتر بود».

فقرات فوق متعلق به گفتگوی نشریه «آگاهی نو» با محمد طیبیان است که در فضای غبارآلود روزهای اخیر در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باز نشر شده است.

«خط غلط، دفتر غلط، املاء غلط، انشاء غلط». آن سفر متعلق به دهه شصت خورشیدی است، نه دهه هفتاد. نوشتار عبدالکریم سروش، پس از شرکت در آن سمینار، از جنس «جستار» و «مقاله» است، نه «گزارش»؛ که گزارش را خبرنگاران و گزارشگران می‌نویسند، نه محققان و پژوهشگران. «قناعت و صنعت»، به تعبیر امروزی، جستاری است متعلق به حوزه «فلسفه تکنولوژی». به همین سبب، در آن به آراء فیلسوفان غربی متعددی درباره ماهیت و چند و چون تکنولوژی اشاراتی رفته است. همچنین نویسنده، برای ایضاح بیشتر آراء انتقادی خود درباره تکنولوژی، استشهادات متعددی به میراث عرفان ایرانی - اسلامی کرده است.

روایت محمد طیبیان از بخش فرودگاه تهران این سفر و دروغ های متعدد شاخ‌دارش، هم عمیقاً تاسف‌برانگیز است و هم خوشمزه و اسباب انبساط خاطر مخاطب را فراهم می‌کند: «جعبه‌های وسایل برقی روی هم چیده شده که از قد پاسدار گمرک هم بالاتر بود.!!!»

نقل است که کسی می‌خواست اسکناسی جعل کند، در کار شد و اسکناس هفت هزار تومانی چاپ کرد. کسی به او گفت: یک کاری بکن که بگنجد و شک دیگران را برنیزد. اسکناسی جعل کن که خلاق به سهولت تشخیص ندهند تقلبی است و مشتات باز شود و بر عقل و دانش و درایت ات خندند مرغ و ماهی!!! حکایت جعل و دروغ‌های جناب طیبیان اقتصاددان ماست. من در آن سفر حضور نداشتم؛ اما به عنوان فرزند ارشد عبدالکریم سروش، آن دوران را خوب به‌خاطر دارم. قاعدتا آن گاری پر از جعبه‌های وسایل برقی که از قد پاسدار گمرک هم بلندتر بوده، قرار بوده به خانه ما سرازیر شود. قاعدتا ما فرزندان هم باید سری از آثار آن‌ها را در خانه و سبک زندگی مان می‌دیدیم، که ندیدیم و ابدا این گونه و این چنین نبوده و این سخنان سر تا پا دروغ و جعل است.

بگذریم از اینکه دوستان رنگارنگ دوران مدرسه و دانشگاه‌ام، همچنین بستگان سببی و نسبی و دوستان خانوادگی، طی دهه‌های گذشته، با سبک زندگی خانواده ما به خوبی آشنا هستند و می‌دانند که چنین ادعاهای دروغی، فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله دارد.

نیک می‌دانم که خانواده ما دوستان و دشمنان بسیاری دارد. محبت و لطف بسیار دوستان، همدلان و همفکران که همیشه شامل حال ما بوده‌است. به دشمنانی که در کار کین توزی، تهمت دروغ پراکنی‌اند، توصیه می‌کنم به سراغ امور دیگری بروند و مراد خود را در جایی دیگر جستجو کنند. شکر خدا، نه اندک آلودگی مالی داشته و داریم، نه زندگی تجملاتی‌ای داشته و داریم که نیازی به جعبه‌های انبوه وسایل برقی داشته باشد!!

چمدان شخصی جناب طیبیان به گواهی خودش نیمه خالی بوده؛ اما چمدان روایت‌شان به‌تمامی خالی بوده و یا پر از دروغ و جعل.

هر چند این سخنان سر تا پا دروغ، به‌سان کف روی آب است و باید «کار خویش» را پی‌گرفت و عنایتی به این قیل و قال‌ها نکرد؛ در عین حال، هر از گاهی برای تنویر اذهان مخاطبان نیک‌نفسی که تحت تاثیر این القائات کذب قرار می‌گیرند؛ گزیری از گرداندن قلم و نوشتن سطوری چند نیست:

«هین تو کار خویش کن ای ارجمند

زود کایشان ریش خود بر می‌کنند.»